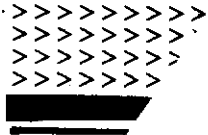


# انگیزه‌های تاریخی

## فاجعه تمدن



بررسی وغوردرباره اوضاع و احوال بعد از «انقلاب صنعتی» جهان بسیار مفید و آموزنده است .

پژوهشگری که با تیزبینی خود در قلب تحولات دوران انقلاب قرار دهد به روشنی می بیند که چگونه بر اثر تحول « ماشینی » تمام سازمانه‌های اجتماعی زیر و رو و دگرگون گشت و چه تأثیر عظیمی بر « اخلاق و مذهب » جامعه داشت ؟ .

وبالآخره پژوهشگر خردمند سنج در مسیر پژوهشهای وسیع خود میباید که :

پیروزی ماشین و « اندوستر یالیسم » در حقیقت به معنی پیروزی طبقه‌ای بود که ماشینها را در اختیار و نظارت خود داشت همانطور که در روزگار کشاورزی پیروزی از آن کسانی بود که مالک زمین بودند ! ...

دوران کشاورزی و فئودالی سپری شد و عصر صنعت پدید آمد و نتیجاً «فؤدالیسم» منقرض شد و «بورژوازی» جای آنرا گرفت ، و همان کشاورز شکم تهی و محرومی که دیروز مورد بهره‌کشی و استثمار طبقه حاکم فؤدال قرار داشت ، اکنون جای خود را به کارگر تیره بخت و جان به لب رسیده‌ای داده که مورد استثمار وسیعتر و مدرن تر طبقه حاکم بورژوا قرار دارد، همانطور که مالکان زمینداران در اجحاف به مزد و زحمت زارع هیچ تردیدی به خود راه نمیدادند ، بطوریکه برای دهقان بدبخت جز شکمی گرسنه هیچ چیز باقی نمی ماند، سرمایه داران و صاحبان صنایع هم هر چند که می گفتند نسبت به کارگران حسن نیت دارند ، اما این حسن نیت جو ابگویی گرسنگی و برهنگی و آوارگی خود و فرزندان وی نبود ، و تقریباً

بود که محصولات در مقیاسی بسیار وسیعتر تولید میشد و ثروت بیشتری فراهم می‌گشت اما این ثروت در دست کاپیتالیستها و صاحبان صنایع متمرکز میگشت و کارگران همچنان فقیر و فقیرتر باقی میماندند ...

**فهرومی** گوید: «انقلاب صنعتی و کاپیتالیسم مسأله‌ی تولید را حل کردند اما مسأله صحیح توزیع ثروت تازه را که به وجود می‌آمد حل نکرده‌اند. به این جهت نزاع قدیمی میان «آنانکه دارند» و «آنانکه ندارند» نه فقط همچنان باقی مانده بلکه شدیدتر و حادتر شده است» (۲)

این نکته هم شایان یادآوری است که در بطن کاپیتالیسم، تجاوز و توسعه طلبی نهفته است و بنا به گفته پیریریمیر: «کاپیتالیسم جنک را در درون خود می‌پرورد و همچنانکه ابر آستن صاعقه و طوفان است» (۳)

از این رو کاپیتالیسم بصورت گزیرنا پذیری به امپریالیسم و استعمار منتهی گشت؛ زیرا کاپیتالیستها خواهان مواد خام و اولیه برای تولید کالاهای صنعتی خود بودند و آسانترین راه برای بدست آوردن بازارها و تهیه مواد خام عبارت بود از تصرف و تسخیر کشورها و سرزمینهای دیگران! و بدین منوال در میان نیرو-مندترین کشورها بر سر تصرف و با اصطلاح استعمار کشورها کشمکشها و رقابتهای وحشیانه و خونینی

تمام درآمدها برای ساختن کاخهای تازه و پر شکوه تر مصرف می‌گردید و کارگران که در تولید این درآمدها سهم عمده‌ای را داشتند، در همان کلبه‌های بی فروغ و فقیرانه به زندگی «هر گز گونه‌ی» خود ادامه میدادند!

و بالاخره محقق آگاه در عصر انقلاب صنعتی می‌بیند که چگونه سرمایه‌داران نوکیسه با طرح يك تئوری ضد بشری بنام «بگذارید بشود» (۱) با تمام دنیا به مبارزه برخاستند و بر اساس همین فلسفه که «کار لایل» آنرا «فلسفه خوک!» نامید، برای آنها هیچ اهمیت نداشت که عمده‌بیشماری از نفوس انسانی در راه خوشبختی و کامیابی!! آنها از میان بروند و نابود شوند ...

و انگهی قرن هیجدهم پس از انقلاب صنعتی شاهد میلاد نامیمون و نامقدس يك شکل خاص از سرمایه داری بود، چون همانطور که می‌دانیم سرمایه داری بمعنی اعم در همه روزگاران وجود داشته است ولی پس از پیدایش ماشین، سرمایه داری بصورت يك نظام شکل یافته وارد صحنه زندگی انسانها شد و با توسعه‌ی ماشینیسیم در سراسر جهان گسترش یافت.

**کاپیتالیسم** شکل یافته از همان آغاز تولد؛ کار تفاوت میان ثروتمندان و فقیران را تشدید کرد، ماشینیی شدن و مکانیزاسیون صنایع نتیجه‌اش آن

۱ - Laissez-faire يك اصطلاح فرانسوی

۲ - نگاهی به تاریخ جهان / ج ۲ صفحه ۶۹۰

۳ - سوسیالیسم / صفحه ۷۶ - اسلام و آئین زندگی / صفحه ۵۶

از بارداری به آنها یاری کرد تا همخوابگی را از آن جدا کنند .

بارشد استقلال فردی در تحول صنعتی سلطه پدر و مادر بر فرزند اساس اقتصادی خود را از دست داد . جوان عاصی دیگر در حبس نظارت دهکده نبود . به آسانی می توانست گناهانش را در گمنامی جمعیت شهر پنهان کند .

پیشرفت علم «لواهی آزمایش» را از «عصای اسقفی» معتبرتر کرد . ماشینی شدن تولید اقتصادی مکاتب فلسفی «ماری ماشینی» را به وجود آورد ، تعلیم و تربیت ترویج دیدهای دینی را اشاعه داد . و اخلاقیات رفته رفته پشتیبان فوق طبیعی خود را از دست داد ... (۲) «

### انقلاب آمریکا

اکنون به مطالعه‌ی دومین انقلاب بزرگ این قرن یعنی شورش مهاجرنشین های آمریکایی بسر ضد انگلستان خواهیم پرداخت .

بررسی انقلاب آمریکا از این نظر برای ما اهمیت دارد که بدانیم یکی از موجبات تحقق آن سر خوردگی و نفرت از مذهب و روحانیتی بود که از «جیمس اول» بشدت حمایت میکرد ... و نتایج و آثار و بالآخره نکاتی که در خلال بحث و خاتمه آن روشن خواهد شد ...

در گرفت ؟ (۱) ...

در این باره اساساً پیرامون نقش امپریالیسم و استعمار در سطح جهانی ، بعد ها سخن خواهیم گفت . ولی اجازه بدهید در پایان این فراز از بحث به اظهار نظریک زوج مورخ و دانشمند پیرامون برخی دیگر از نتایج انقلاب صنعتی اروپا توجه کنیم :

«انقلاب صنعتی نخست به تدریج و بعد بسرعت و با گسترش هر چه بیشتر شکل اقتصادی و نمایان لاقی زندگی را در اروپا و آمریکا تغییر داد . مردان و زنان و کودکان یکا بک خانه و خانواده و توانایی و یگانگی را پشت سر نهادند تا در کارخانه های

که خانه‌ی ماشینی بود ؛ و برای انسان ساخته نشده بود (۱) ، به کار مشغول شوند و هر یک جداگانه مزد بگیرند . هر ده سال که می گذشت ماشینها پیچیده تر می شدند و شماره آنها چند برابر می شد . بلوغ اقتصادی ( یعنی قدرت مالی تشکیل خانواده ) به تأخیر افتاد ، فرزند ارزش اقتصادی خود را در خانواده از دست داد ، سن ازدواج بالا رفت ، حفظ پاکدامنی پیش از ازدواج دشوار تر شد .

زندگی شهری در کار ازدواج فتور و دل سردی آورد ، اما بر موجبات تحریک جنسی افزود و برقراری رابطه های نامشروع جنسی را آسان کرد . زنان «آزاد» شدند . یعنی صنعتی شدند و وسایل پیشگیری

۱ - در موارد تاریخی این قسمت مقاله از کتابهای «تاریخ جهان نو» تألیف : رابرت روزول بالمرتر ترجمه ابوالقاسم طاهری و «نگاهی به تاریخ جهان» تألیف : جواهر لعل نهرو . ترجمه محمود تفضلی . بهره گرفته شده .

۲ - «ویل» و «آریل» دوران / درسهای تاریخ - صفحه ۴۸

مهاجران معترض در سواحل شمالی آمریکا فرود آمدند و آنجا را «پلیموت نو» نامیدند به دنبال آنها از بریتانیا و سایر کشورهای اروپایی به مهاجرت پرداختند و تدریجاً کوچ نشینهای مهاجر توسعه یافته و تعدادشان به سیزده ایالت در طول سواحل شرقی آمریکا رسید، آنها که در همان وقت «پدران زائر» نامیده شدند، برای رسیدن به آزادی گردوغبار کشور خویش را از باها نکاندند و درسزمینهای بیگانه‌ی ماوراء اقیانوس اطلس کوچ نشینی برگزیدند.

**نوه‌ها و نبره‌های همان مهاجران و کوچ نشینهای آواره از وطن؛ امروز نیرومندترین و ثروتمندترین و از لحاظ صنعتی مترقی‌ترین کشور جهان را در اختیار دارند!** ...

مهاجران مدتها پس از هجرت، حکومت و پارلمان انگلستان را به رسمیت می‌شناختند و خود را تابع آنها میدانستند و این نکته هم لازم به یادآوری است که آنها تنها قسمتی از اراضی آمریکا را تحت تصرف خود در آورده بودند و در ماوراء قلمرو آنها زمینهای پهناوری گسترده شده بود که تقریباً ده برابر اراضی تحت تصرف کوچ نشینها بود و تا سواحل اقیانوس آرام ادامه می‌یافت و هنوز تحت اشغال هیچ مهاجر اروپایی در نیامده بود.

زمانی را یاد آوریم که دولت متکی به نیروهای مسلح و کلیسای متکی به تزویر و قدوسیت! (۱) دست بدست هم داده و چنان مردم را تحت فشار قرار داده بودند که حتی امیدوارترین افراد گریز از چنان وضع تاریک مرگباری را محال می‌دانستند! جیمس اول که بعد از الیزابت (معاصر اکبر شاه پادشاه هند) روی کار آمد به «حق الهی حکومت» برای زمامداران عقیده داشت (۲) و کلیسایم برای این عقیده می‌گذاشت! پارلمان هم که جز قالب بدون محتوایی نبود، آلت بی‌اراده‌ای بود در دست قدرتها و در همان حال پر تمامی دستگاهها تفوق داشت و بقول یکی از معتنن ظریفه گو: قدرت پارلمان چنان بود که از عهده انجام هر امری بر می‌آمد الا آنکه زنی را مرد کند (۳)!

\* \* \*

در یکی از روزهای آفتابی سال ۱۶۲۰ بود که جمعیت انبوهی از مردم انگلستان سوار بر کشتی «هی فلور» (۴) در حالیکه با خوشحالی شعارهایی بر ضد «جیمس اول» و مذهب وابسته‌ی به او میدادند و دستهای خود را بعنوان خدا حافظی از بدرقه کنندگان بلند کرده بودند، از فشار و خشونت و قدرت طلبی مثبت حاکمه انگلستان فاصله گرفته و برای رسیدن به سرزمینهای تازه راهی اقیانوس اطلس و دریاها شدند.

- ۱ - برتراند راسل / تاریخ فلسفه غرب / ج ۳ صفحه ۲۲۶ / ترجمه نجف دریا بندری .
- ۲ - نهر / نگاهی به تاریخ جهان / ج ۱ صفحه ۵۸۴ / ترجمه محمود تفضلی .
- ۳ - رابرت پالمر / تاریخ جهان نوج ۱ صفحه ۴۱۳ / ترجمه ابوالقاسم طاهری .
- ۴ - گل ماه مه .

مردم که زمانی در سونامر قاره آمریکا سکونت داشتند بجز عده کمی باقی نمانده‌اند (۱)

بنابرین در زمین‌ها نیاز شدیدی به کارگرو عدم قبول کشاورزی از طرف سرخپوستان بومی، مردم بدبخت و تیره روز آفریقا را شکار میکردند و به شکلی بیرحمانه که قساوت آن تصور ناپذیر است از راه دریا به آمریکا می‌فرستادند و در مزارع و کشتزارها و بویژه در زراعت‌های توتون به کار و امید داشتند ...

در این کوچ نشینها مخصوصاً در ایالات جنوبی بسیاری از مالکان بزرگ انگلستان منافع فراوانی داشتند و میکوشیدند هر چه بیشتر آن نواحی را استثمار کنند .

(بقیه دارد)

در این سرزمین گسترده قبایل مختلفی از سرخ-پوستان اقامت و تسلط داشتند که «هندیان سرخ» نامیده میشدند .

در همینجا مسأله‌ی تجارت غلامان و برده‌فروشی آغاز گردید، چون وجود کارگران برای کشاورزی مخصوصاً در کوچ نشینهای جنوبی که مزارع وسیع توتون و تنباکو به وجود آمده بود، مورد احتیاج شدید بود و بومیهای خود آمریکا یعنی همان سرخ-پوستان، صحراگرد بودند و دوست نداشتند که در یک جامه مستقر گردند و از طرفی حاضر نبودند که با شرایط طاقت فرسای بردگی به کارگمارده شوند، آنها ترجیح میدادند که بمیرند اما تسلیم نشوند و عملاً هم در طی سالها و در اوضاع و شرایط جدید مردند و ازمیان رفتند؛ بطوریکه امروز از آن

## زندگی واقعی

\* زندگی آن است که به چشمان ناپینا بینائی بخشد و گوشهای

ناشنوا را شنوا سازد !

\* زندگی آن است که تشنگی را با آب زلال علم و معرفت

فرو نشاند !

از علی (ع)

۱ - در کتاب «اسلام و تبعیضات نژادی» نشان دادیم که چگونه آمریکائیا برای از بین بردن سرخ پوستان بومی حتی از روش «باکترولوژی» استفاده کردند ... (به چاپ سوم این کتاب - صفحه ۱۱۷ مراجعه کنید)